

جمعه 10 خرداد 20 - رجب 1434 - 31 می 2013

ابوعباس، ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموی، که نام مادرش ام حجاج بنت محمد بن یوسف ثقفی بود، در سال 90، یا 92 و یا 87 قمری به دنیا آمد. او، از جانب پدرش یزید بن عبدالملک، ولی عهد مسلمین پس از خلافت عمویش هشام بن عبدالملک بود.

قتل ولید بن یزید اموی - سال 126 هجری قمری

ابوعباس، ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموی، که نام مادرش ام حجاج بنت محمد بن یوسف ثقفی بود، در سال 90، یا 92 و یا 87 قمری به دنیا آمد. او، از جانب پدرش یزید بن عبدالملک، ولی عهد مسلمین پس از خلافت عمویش هشام بن عبدالملک بود.

هنگامی که هشام بن عبدالملک پس از بیست سال خلافت، به هلاکت رسید، برادرزاده اش ولید بن یزید با حرص و ولع شگفتی به خلافت مسلمانان دست یازید و در آغاز حکومت خویش، هواداران هشام و عاملان و استانداران وی را بر کنار و هواداران خویش را که اکثراً همانند خود وی نالایق و فاسق بودند، سر کار آورد.

وی، خلیفه ای فاسق و متظاهر به گناه و محرمات بود و در شرب خمر، زیاده روی می کرد و از نظر فکری نیز شایستگی نام مسلمانی را نداشت، چه رسد به این که خلیفه مسلمانان باشد. چون چیزهایی می گفت و اشعاری می خواند که ملحدان و زندیقان، جرئت و جسارت خواندن آن ها را نداشتند. حتی گفته شد که وی می خواست در فراز کعبه (خانه خدا) خانه ای بسازد و در آن، مجلس لهو و لعب برقرار کند.

رفتار غیر انسانی و کردار غیر اخلاقی وی، به سرعت در میان مردم پخش و آنان را نسبت به وی متنفر کرد.

وی، خالد بن عبدالله قسری و دو پسرش به نام های ابراهیم و محمد بن خالد را به خاطر تشویق آنان در خلع وی از ولایت عهده توسط هشام بن عبدالملک، دسگیر و شکنجه سختی نمود و سپس آنان را به وضع فجیعی به قتل آورد و دست اطرافیان و عاملان خویش را در آزار و اذیت مردم و قتل و غارت آنان باز گذاشت.

سرانجام عموم مردم از وی روگردان شده و در صدد پایان دادن به خلافتش برآمدند.

سردمداران بنی امیه که به نفرت عمومی مردم نسبت به این خاندان بیمناک شده بودند، بی درنگ پسرعمویش یزید بن ولید بن عبدالملک را کاندیدای خلافت نموده و پنهانی با وی پیمان بستند و با راهنمایی های وی، اعتراضات خویش را ابراز و سپس اقدام به شورش و قیام نمودند. هواداران یزید بن ولید، روز به روز زیادتر و قوی تر می شدند و درگیری های خویش را با هواداران ولید بن یزید، شدیدتر می کردند.

تا این که دو روز و به قولی پنج روز مانده به پایان ماه جمادی الآخر سپاهیان وی را شکست داده و خود ولید را در هنگام نبرد به قتل آوردند.

پس از کشتن وی، بدنش را با ضربات نیزه و شمشیر پاره پاره و سر او را از بدن جدا و در دمشق و بسیاری از شهرها گرداندند و آن گاه، آن را در دیواره مسجد اموی شام نصب نمودند. به روایتی، آن سر تا پایان حکومت بنی امیه در آن جا آویزان بود.

یزید بن ولید، به محض کشته شدن ولید بن یزید، به خلافت رسید و به ده نفر از کشندگان اصلی ولید، جایزه و پاداش های کلانی اعطا نمود.

مدت خلافت ولید بن یزید، یک سال و سه ماه بود و به هنگام قتل، 38 و یا 36 و یا 42 و یا 45 و به روایتی دیگر 46 ساله و دارای 14 پسر و چند دختر بود.

یزید بن ولید بن عبدالملک بن مروان اموی، پس از کشته شدن پسرعمویش ولید بن یزید بن عبدالملک به دست مردم، در 28 جمادی الآخر سال 126 قمری، در دمشق به خلافت رسید. وی در زمان خلافت ولید، در امان (عمان) پایتخت فعلی اردن، زندانی بود و پس از

رهایی از زندان، نسبت به رفتار و کردار ولید بن یزید، اظهار ناخرسندی می کرد و در نزد مردم، وی را ناسزا می گفت و تکفیرش می نمود.

به هر روی، پس از استقرار در خلافت اسلامی، جلوی بذل و بخشش های ناروا را گرفت و حقوق و مواجب بسیاری از وابستگان به دستگاه خلافت را کاهش داد. بدین جهت به "ناقص" معروف گردید.

وی همانند عمر بن عبدالعزیز تلاش فراوانی به عمل آورد تا نارسایی ها و کاستی های بنی امیه را جبران و خدمات ارزنده ای به مردم داشته باشد، ولیکن اجل، مهلتش نداد و پس از چند ماه خلافت، در اواخر همین سال وفات یافت.

گویند مادرش ایرانی نژاد و موسوم به شاه فرند و یا شاه آفرید دختر فیروز بن یزدگرد ساسانی بود. به همین جهت یزید افتخار می کرد که به سه امپراتور بزرگ عالم، یعنی خلافت امویان، سلطنت ساسانیان و قیصر رومیان انتساب دارد.(1)

1- البداية و النهاية (ابن کثیر)، ج 1، ص 13 و ص 18؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 555

آغاز خلافت یزید بن ولید - سال 126 هجری قمری

یزید بن ولید بن عبدالملک بن مروان اموی، پس از کشته شدن پسرعمویش ولید بن یزید بن عبدالملک به دست مردم، در 28 جمادی الآخر سال 126 قمری، در دمشق به خلافت رسید. وی در زمان خلافت ولید، در امان (عمان) پایتخت فعلی اردن، زندانی بود و پس از رهایی از زندان، نسبت به رفتار و کردار ولید بن یزید، اظهار ناخرسندی می کرد و در نزد مردم، وی را ناسزا می گفت و تکفیرش می نمود.

به هر روی، پس از استقرار در خلافت اسلامی، جلوی بذل و بخشش های ناروا را گرفت و حقوق و مواجب بسیاری از وابستگان به دستگاه خلافت را کاهش داد. بدین جهت به "ناقص" معروف گردید.

وی همانند عمر بن عبدالعزیز تلاش فراوانی به عمل آورد تا نارسایی ها و کاستی های بنی امیه را جبران و خدمات ارزنده ای به مردم داشته باشد، ولیکن اجل، مهلتش نداد و پس از چند ماه خلافت، در اواخر همین سال وفات یافت.

گویند مادرش ایرانی نژاد و موسوم به شاه فرند و یا شاه آفرید دختر فیروز بن یزدگرد ساسانی بود. به همین جهت یزید افتخار می کرد که به سه امپراتور بزرگ عالم، یعنی خلافت امویان، سلطنت ساسانیان و قیصر رومیان انتساب دارد.